

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بیان احتمالات در کلمه «زینتهن»

عرض کردیم که در این آیه شریفه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» مجموعاً سه احتمال نسبت به کلمه «زینتهن» وجود دارد. احتمال اول: که موافق با خود لفظ زینت و لغت زینت هست این است که بگوییم مراد «ما تتزين به المرأة» همین وسائلی که زن به وسیله او خودش را تزئین می‌کند باشد. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» یعنی زینت‌های را که زن به خودش متصل می‌کند اینها را ابداء نکند مگر زینتی که ظاهر است «الا ما ظهر من الزينة» که در نتیجه آیه فقط زینت ظاهری و آنچه که ظاهر هست استثناء کرده است، آنچه که ظاهر است مثل انگشتر، خضاب، کحل، سرمه و ثیاب. حالا در این که مثلاً النگو جزء زینت ظاهری هست یا نه! در روایات هم مختلف مطرح شده است که بیان می‌کنیم. این احتمال را بزرگانی قائل هستند، از جمله مرحوم محقق خوئی (قدس سره) همین نظریه را قائل هستند و در (شرح عروه، جلد 32، صفحه 41) همین نظر را دارند.

احتمال دوم: این است که بگوییم مراد از زینت مواضع زینت است، زن در بدن خودش عادتاً يك مواضعی را دارد که آن مواضع را تزئین می‌کند «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» یعنی مواضع زینت را زن ابتداء نکند الا آن مواضعی که ظاهر است «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» که کثیری از مفسرین و شاید کثیری از فقهاء همینطور معنا کردند و دلیلش را هم دیروز بیان کردیم مناقشه‌اش را هم ذکر کردیم. ما اگر احتمال اول را بگوییم آیه خود وجه و کفین را شامل نمی‌شود، مستثنی شامل نمی‌شود، چون وجه و کفین زینت عرضی که نیست؛ چون در احتمال اول گفتیم زینت یعنی ما تتزين به المرأة است، وجه و کفین را نمی‌گیرد. اما در احتمال دوم که مراد از زینت مواضع زینت است الا ما ظهر منها یعنی الا آن مواضع ظاهره، مواضع ظاهره وجه و کفین را شامل می‌شود. آن مواضعی که از زن ظاهر است وجه و کفین است.

احتمال سوم: مراد از زینت خود زن است «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» از باب این است که المرأة زينة، زن به تمام اعضائها عنوان زینت را دارد، در نتیجه آیه معنایش این می‌شود: «لا یبدین انفسهن» خودشان را آشکار نکنند، این زن خودش را نشان ندهد «الا ما ظهر منها» مگر آنچه که خود به خود ظاهر است. الا ما ظهر منها یعنی آنچه که خود به خود ظاهر است که همین وجه و کفین خود به خود ظاهر است.

بیان مرجع راحل، والد معظم حضرت استاد

این احتمال را دیروز هم ما بیان کردیم و مورد مناقشه قرار دادیم، احتمالی است که والد راحل ما (رضوان الله علیه) در شرح تحریر منتها در کتاب الصلاة (ص 570) به مناسبت بحث ستر و ساتر در باب صلاة این بحث را مفصل در آنجا مطرح کرده‌اند عبارت ایشان این است: «فالظاهر ان الزينه ليست بمعنى الامر الصناعي الزائد على الخلقه فقط كما ربما يخطر بالبال ابتدائاً - مراد از زینت این زینت مصنوعی زائد بر خلقت نیست، ولو اینکه ابتدائاً در ذهن همین می‌آید - بل لها معنى اعم من ذلك - اعم از این زینت صناعی و من الزينة الخلقية - زینت طبیعی - بعد از این مطلب هم عدول می‌کنند می‌فرمایند: - بل يمكن ان يقال

بالاختصاص بخصوص الزينة الخلقية - اصلاً بگوئیم آیه فقط زینت خلقی را می‌خواهد بگوید، یعنی زینت ذاتی را می‌خواهد بگوید دیروز عرض کردیم زینت را به اقسام اربعه تقسیم کردند ظاهری و باطنی خلقی و اکتسابی، حالا بجای خلقی و اکتسابی می‌شود گفت ذاتی و عرضی که در کلام بعضی از فقهاء هم همین ذاتی و عرضی آمده است.

می‌فرمایند ما بگوئیم این زینت در آیه مراد زینت ذاتی است - التي هي الاساس في الجهة المطلوبة من النساء و عليه يكون النهی عن ابداء الزينة عبارة اخرى عن النهی عن ابداء انفسهن - طبق این احتمال - لا یبدین زینتھن یعنی لا یبدین انفسھن - خودشان را نشان ندهند . بعد می‌فرمایند سر در این مطلب این است که خداوند تبارک و تعالی در مقام بیان ذکر يك نکته‌ای است در آیه شریفه و آن نکته این است که خدا می‌خواهد بفرماید زن به تمام اعضائها عنوان زینت را دارد؛ این که این تعبیر را آورده برای این است که بیان کند که زن به تمام اعضائها عنوان زینت را دارد.

آن وقت به ایشان عرض می‌کنیم که این ما ظهر را باید چطوری معنا کرد؟ می‌فرمایند همین زینت ذاتی زن، این زینت ذاتی، این که تمام اعضاء زن عنوان زینت را دارد بعضی هایش ظاهر است و بعضی هایش باطن است، وجه و کفین عنوان ظاهری را دارد بقیه اعضاء عنوان غیر ظاهری را دارد. و بعد در ادامه می‌فرمایند : - و التعبير بما ظهر بصورة الفعل الماضي لعله كان لافادة ان مثلهما كان ظاهراً في السابق قبل نزول الآية.. چرا اینجا تعبیر کرده به «الا ما ظهر» بصورت فعل ماضی آورده است؟ می‌فرماید از باب این است که قبل از نزول آیه این وجه و کفین از زنها ظاهر بوده.

تشبیه می‌کنند کقوله تعالی : «و ان تجمعوا بين الاختين الا ما قد سلف» و بعد می‌فرمایند: - و عليه يكون الاستثناء منقطعاً و لا بأس به - می‌فرمایند روی این بیان که بگوئیم ما ظهر برای این است که افاده این بکند که قبل از نزول آیه اینها دیگر ظاهر بوده و اینها دیگر مقصود خداوند نیست از اول، این استثناء می‌شود منقطع، و می‌فرمایند استثناء منقطع هم - لا بأس به - در بحث فقه امروز هم اتفاقاً بحث ما همین بود که آیا در قرآن ما استثناء منقطع داریم یا نداریم!

برخی از بزرگان مثل مرحوم سید یزدی در حاشیه و مرحوم نائینی می‌گویند استثناء منقطع بر خلاف فصاحت و بلاغت است؛ اما بعضی از بزرگان دیگر مثل امام (رض)، مثل والد ما (رض) اینها می‌فرمایند: «استثناء منقطع در قرآن هم مانعی ندارد». بعد می‌فرماید : - فالایة على هذه التقدير تدل على جواز ابداء الوجه و الكفین و عدم حرمة كشفهما و لا ینافی ما ذكرنا اضافة الزينة الى النساء في المستثنى منه الظاهره في المغایرة بين الزينة و بين الاعضاء لان هذه الاضافة انما هي كاضافة الانفس اليهن فكأنه قال و لا یبدین انفسھن الا ما ظهر منھن فتدبر».

نقد فرمایش حضرت والد در بیان استاد

اینجا نظر ایشان در این قسمت عبارت تمام است، عرض می‌کنم اینجا چند نکته را ما می‌خواهیم بیان بکنیم و نتیجه این می‌شود که به این فرمایش و این احتمالی را که ایشان دادند نمی‌شود ملتزم شد؛

نکته اول همانی است که دیروز بیان کردیم و ایشان هم در ذیل عبارت دارند که این اضافه زینت به خود زن ظهور در مغایرت دارد، و این مغایرت باید در اینجا ملحوظ واقع بشود. حالا ما اگر در بعضی از آیات دیگر داریم انفسنا یا انفسهن این قرینه نمی‌شود که در این آیه هم بین این دوتا مغایرت نباشد!

نکته دوم این است که بالاخره برای فرمایش ایشان ما شاهدهی پیدا نکردیم یعنی مجرد يك احتمال است آیا نظر شریف ایشان این بوده که این «الا ما ظهر»، آیا ایشان از این استثناء خواستند به این احتمال برسند که این «الا ما ظهر» یعنی آنی که بذاته ظاهر است! آیه می‌فرماید آنچه که ظاهر است بذاته این مانعی ندارد، که در نتیجه می‌شود وجه و کفین، که وجه و کفین ذاتاً خودشان ظاهر هستند. یعنی اگر زن هم حجاب هم داشته باشد اینطور نیست که بگوئیم این صورت را ابداء کرده است خود به خود ظاهر است و شاید علت این که ما این استثناء را در اینجا استثناء منقطع بگیریم همین است که نسبت به سایر مواضع زن باید ابداء

کند، اظهار بکند اما نسبت به وجه و کفین خود به خود ظاهر است، آنجا دیگر مسئله ابداء و مسئله اظهار نیست، در نتیجه این بیان، این استثناء می‌شود استثناء منقطع و چون در مستثنی اعضای که خود به خود ظاهر است آورده شده است قرینه بگیریم که آن زینتن هم که در مستثنی منه آمده است مراد خود اعضاء ظاهری زن است.

آیا می‌شود این بیان را برای این فرمایش ذکر کرد که خلاصه‌اش این باشد «الا ما ظهر منها» یعنی ما ظهر بذاته نه ما ظهر بشیء آخر، ما ظهر بظاهر از اعضاء خود زن است. پس آن زینتن هم یعنی اعضائهن، ابدانهن باید باشد، لا یبدین انفسهن الا این اعضاء که خود به خود ظاهر است. آیا ما می‌توانیم خود استثناء را قرینه قرار بدهیم؟ جوابش این است این کلمه «منها» که در بعد از «ما ظهر» در آیه شریفه آمده است «الا ما ظهر منها» این «من» روشن است که «من» تبعیضیه است، یعنی بعضی از این زینت، ضمیر «ها» هم به زینت بر می‌گردد بلا اشکال.

این زینتی که خودش ظاهر است این هم در زینت ذاتی معنا دارد و هم در زینت عرضی معنا دارد، در زینت ظاهری وجه و کفین خودش ظاهر است، در زینت عرضی هم انگشتر و خضاب و کحل اینها هم خودش ظاهر است، خود به خود هم ظاهر است. آنجا هم که ابداء نیست یعنی آنچه که ایشان می‌خواهند شاهد بیاورند برای اینکه مراد از زینت خود زن است به نظر ما نه، این اعم است، این «ما ظهر» هم می‌تواند آن معنا ازش استفاده بشود، هم می‌تواند این معنا ازش استفاده بشود.

منتها این معنایی که زینتن را به معنای انفسهن بگوئیم خلاف ظاهر است نیازی به توجیه دارد، این معنای که الان ما داریم می‌گوئیم زینتن یعنی زینت‌های که عرضی است ماتزیین به المرأة است. پس اگر ایشان بخواهند «الا ما ظهر» را قرینه براین مدعایشان قرار بدهند می‌گوئیم نه این هم می‌تواند با مدعای شما سازگاری داشته باشد، هم با اینکه زینت را به همین معنای عرضی معنا بکنیم.

نکته سوم این است که در ذیل این آیه دارد «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»

آیا آیه می‌فرماید نباید با پاهایشان طوری راه بروند آن زینت‌های که مخفی است آشکار بشود! یعنی آن خلخال که به پایشان می‌بستند که اینها صدا بکند و این صدایش تحریک شهوت در اجنبی به وجود بیاورد سؤال این است که آنجا هم کلمه زینتن دارد، آیا ما آنجا هم زینت را بمعنای انفس معنا بکنیم؟ اگر ما در صدر آیه «لا یبدین زینتن الا ما ظهر منها» این «زینتن» که ذیل آیه آمده اگر آنجا را معنای انفسهن گرفتیم اینجا را هم به همین معنا بگیریم؟ روشن است که در ذیل آیه آن ما یخفین معنایش این نیست که اینها طوری و با پاهایشان راه نروند که خود پا پیدا بشود دارد و لا یضربن نمی‌گوید و لا یمشین نباید طوری پایشان را به زمین بزنند که آن زینت مخفی صدا بکند، اگر آنجا زینت را بمعنای زینت عرضی بگیریم اینجا هم باید همینطور بمعنای زینت عرضی بگیریم.

پس بنابر این، خلاصه عرض ما در مقابل فرمایش ایشان این شد که اولاً ما شاهی بر این فرمایش نداریم و اگر «الا ما ظهر» را بخواهند دلیل بگیرند «الا ما ظهر» اعم است هم با زینت ذاتی سازگاری دارد و هم با زینت عرضی.

و اشکال سوم این است که در خود این آیه باز کلمه «زینتن» دوبار دیگر تکرار شده است، يك بارش هم عین همان «و لا یبدین زینتن» است اما يك بار دیگر دارد ما یخفین من زینتن معلوم می‌شود که این زینت در این آیه شریفه مراد زینت ظاهری است. یا اگر ما بخواهیم يك مقداری تنزل بکنیم لا اقل بگوئیم اعم از زینت ظاهری و باطنی است، اعم از ظاهری و ذاتی است، اعم از عرضی و ظاهری اعم از خلقی و اکتسابی است، همه اینها را شامل بشود، اما اینکه منحصر بکنیم به این که خود زن زینت به تمام اعضائها باشد این قابل التزام نیست.

تا اینجا عرض کردیم مجموعاً در آیه شریفه سه احتمال است: 1- زینت یعنی زینت ظاهری، 2- زینت اکتسابی خود زن

3- مواضع زینت که غالب فقهاء هم همین مواضع زینت را مطرح کرده است.

بعد ایشان همین نظریه مواضع زینت را بیان می‌کنند، می‌فرمایند: «و اما ما ربما يقال من ان الظاهر ان المراد بالزينة هي مواضع الزينة - چند اشکال کردند، اشکال اول ایشان این است خلاف ظاهر است چون نیاز به تقدیر دارد، اشکال دومشان این است - لو كان المراد مواضع الزينة فيلزم ان لا تكون الاية متعرضة لحكم غير مواضع الزينة فلا دلالة لها على حرمة ابداء تلك المواضع و دعوى ان ما يقع في معرض الابداء مواضع الزينة لا غيرها مدفوعة بانه قد يقع غيرها في معرض الابداء و الظاهر ان الاية في مقام افادة حكم كلي» اشکال دوم ایشان این است که اگر ما بگوییم مراد مواضع زینت است نتیجه این می‌شود آیه فقط حرمت ابداء مواضع زینت را ذکر کرده است اما غیر مواضع زینت چه؟ حکمش را ذکر نکرده است.

و می‌فرمایند حالا اگر کسی بگوید آیه فقط همین را می‌خواهد بیان بکند می‌فرمایند این هم خلاف ظاهر است آیه در مقام بیان يك حكم كلي است. و بعد دو مرتبه می‌فرمایند: «و الحق ان يقال ان المرأة بنفسها زينت الهية خلقه كما قال به فخر الرازي في تفسيره - ظاهرش این است که این نظریه را فخر رازی هم دارد، فخر رازی دو دلیل آورده است دلیل اولش این است که - ان الكثير من النساء ينفردن بخلقتهن عن سائر ما يعد الزينة فاذا حملناه على الخلقة وفيما العموم حقه - فخر رازی گفته است که کثیری از زنها این‌ها از سائر آنچه که زنها را دیگر بعنوان زینت استفاده می‌کنند اینها استفاده نمی‌کنند بلکه زنها غالبشان برای اظهار به دیگران خلقت خودشان را بعنوان زیبائی و زینت مطرح می‌کنند نه فرض کنید انگشتر و النگو و این چیزها اگر ما زینت را خود زن معنا بکنیم - وفيما العموم حقه- اما اگر زینت را بهمین انگشتر و اینها معنا بکنیم با آنچه که کثیری از زنها انجام می‌دهند که از خلقت ذاتی خودشان بعنوان اظهار زینت استفاده می‌کنند از بیان خصوصیات ذاتی خودشان برای دیگران این را بعنوان زینت ذاتی استفاده می‌کنند. این دلیل اول فخر رازی.

مناقشه در بیان فخر رازی

ببینید ! به نظر می‌رسد که والد ما هردو دلیل ایشان را پذیرفته‌اند اما این دلیل اول این مناقشه‌اش خیلی روشن است آیه را ما داریم معنا می‌کنیم، در خود آیه شریفه مخصوصاً حالا در زمان‌های گذشته اینطور بوده زن زینت خودش را اظهار می‌کرده، زینت‌های ظاهری و زینت‌های عرضی اش را، آن هم برای نوع مردم اظهار می‌کردند، آنچه که فخر رازی بیان کرده - ان الكثير من النساء ينفردن بخلقتهن - درست است زن وقتی بخواهد توصیف بکند خودش را می‌آید خلقت ذاتی اش را بیان می‌کند اما این در مقام توصیف برای يك نفر معین است آنچه که الان آیه دارد بیان می‌کند زن نسبت به همه افراد است و لذا در آن دنباله آیه که می‌گوید: «و لا يبدین زینتهن الا ...» برای 12 گروه آنجا هم همینطور است، آنجا این چنین نیست که ما بگوییم زینت ذاتی اش و خلقی اش را برای این 12 گروه، نه پس چون آن طرفی که این زن دارد ابداء می‌کند خودش را برای او يك شخص معین نیست، اگر يك شخص معین بود يك فرد معین بود این حرف فخر رازی درست بود، زن برای شوهر خودش وقتی می‌خواهد خصوصیات یعنی زینت بودن خودش را بیان می‌کند خصوصیات ذاتی اش را بیان می‌کند اما نسبت به نوع با همان خصوصیات عرضی ظاهر می‌شود. بنابر این، این دلیل دلیل درستی نیست.

دلیل دومی هم که بیان کرده‌اند این است که گفته «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» - يدل على ان المراد بالزينة ما يعم الخلقة و غيرها فكأنه تعالى منعهن من اظهار محاسن خلقتهن بان اوجب سترها بالخمار - می‌فرمایند دنباله این آیه که می‌فرماید: - وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ - این قرینه می‌شود که مراد از زینت لا اقل اعم از خلقی و غیر خلقی است اشکال ما و مناقشه ما این است که این يك حكم دیگری است این «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ» يك حكم دیگری را دارد بیان می‌کند. اول راجع به زینت‌های ظاهری خاتم و النگو و خضاب و اینها بحث کرده بعد هم آمده راجع به جیوب که یکی از اعضاء زن است یعنی سینه، حکمش را

دارد بیان می‌کند، چطور او می‌تواند قرینه باشد بر اینکه این زینت مراد زینت خلقی است و چه ارتباطی دارد؟

آن يك حکم دومی است و ارتباطی به این ندارد، بلی اگر «وَلْيَضْرِبْنَ» را تأکید برای حکم قبل بگیریم، بگوییم آیه فرموده « لا یبدین زینتهن » نباید زینت خودشان را ابداء کند، زینت را بمعنای انفس بگیریم «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ» را هم تأکید برای این بگیریم، بگوییم باز تأکید می‌کند همان خمار و مقنعه را طوری بیاندازند که سینه هایشان را بپوشاند مؤکد آن باشد که این بیان درست است اما «وَلْيَضْرِبْنَ» يك حکم مستقلى است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.